

بررسی انتقادی تصحیح و ترجمه «جواهرالبلاغه»*

حسین کیانی**

چکیده

بررسی وضعیت فعلی شیوه‌های سازماندهی مواد و محتوای درسی رشته‌های علوم انسانی در نظام آموزشی نشان‌دهنده این است که این شیوه، جایگاه علمی مناسبی ندارد. نقد و بررسی کتاب‌های تخصصی علوم انسانی و بیان ویژگی‌ها و کاستی‌های آن می‌تواند نقش مؤثری در سازماندهی این کتاب‌ها داشته باشد. در این مقاله، بعد از مقدمه‌ای کوتاه در ضرورت توجه به نقد کتاب‌های درسی علوم انسانی و اهمیت درس بلاغت عربی، به ویژه کتاب *جواهرالبلاغه*، در رشته زبان و ادبیات عربی، این کتاب نقد و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: نقد، علوم انسانی، زبان و ادبیات عربی، بلاغت عربی،

جواهرالبلاغه

مقدمه

کتاب‌های درسی دانشگاهی به دلیل مخاطبان خاص آن، اهمیت ویژه‌ای دارند. نگارش این کتاب‌ها دقت فراوانی می‌طلبد؛ و کوتاهی و بی‌دقتی در تألیف چنین کتاب‌هایی، قابل

* محمود خرسندی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) و حمید مسجدسرای (عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان)؛ *جواهرالبلاغه: تصحیح، ترجمه، با متن اعراب‌گذاری شده؛ قم: انتشارات حقوق اسلامی؛ چاپ اول: ۱۳۸۴، شمارگان: ۴۰۰۰.*

** استادیار دانشگاه شیراز hkyanee@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۶

چشم‌پوشی نیست. نگاهی به کتاب‌های بلاغی چاپ‌شده در بازار کتاب نشان می‌دهد که شیوه آموزش این علم، هنوز بر پایه بلاغت سنتی و مثال‌های قدیم است و از بلاغت جدید و مثال‌های ملموس و امروزی در آنها خبری نیست.

در این کتاب‌ها، از صناعاتی همچون حس آمیزی، تشخیص، پارادوکس، تصویر پارادوکسی، آبرونی، آرکی‌تایپ، اسلوب معادله، نماد، موتیف، خوشه تصویری، و آشنایی‌زدایی (غرابت) اثری دیده نمی‌شود. این اصطلاحات در سال‌های اخیر وارد تحلیل‌های بلاغی شده و از دیرباز در شعر وجود داشته است؛ اما هنوز بلاغت مدرسی چندان به آن عنایتی ندارد و آنها را متعلق به قلمرو نقد ادبی می‌داند. (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۰)

کتاب‌های *جواهرالبلاغه* تألیف احمد الهاشمی، *البلاغه الواضحه* تألیف مصطفی امین و *علی‌الجارم العلوم البلاغیه* تألیف مصطفی غلایینی، *علوم البلاغه* تألیف احمد مصطفی المراغی و *بداية البلاغه* تألیف ابراهیم دیباجی (انتشارات سمت)، در ایران بیشتر مورد توجه دانشگاهیان برای تدریس در دوره کارشناسی قرار گرفته است. از میان این کتاب‌ها، به *جواهرالبلاغه*، به دلیل روش مند بودن در آموزش، بیشتر توجه شده است.

این کتاب با همه ویژگی‌های مثبتی که در آموزش بلاغت عربی دارد، خالی از اشکال نیست. لغزش‌های نگرشی و نگارشی و بی‌نظمی در بیان بعضی مطالب و تکرار آنها، از برجسته‌ترین عیب‌های کتاب است؛ که نقد و بررسی آن، از حوصله این نوشتار خارج است و خود مجالی دیگر می‌طلبد. با وجود برخی کاستی‌ها و لغزش‌ها، این کتاب هنوز از اقبال چشمگیری برخوردار است، به طوری که هراز گاه با ظاهری آراسته از سوی انتشارات گوناگون به بازار عرضه می‌شود؛ ولی دریغ از یک بازنگری جزئی، به گونه‌ای که تجاری بودن کتاب بر علمی بودن آن برتری یافته است.

البته این مشکل، ویژه کشور ما نیست و نگارنده طی مکاتبه با چند تن از استادان بلاغت در کشورهای عربی در این زمینه، پی برده است که آنان نیز به تجاری بودن کتاب *جواهرالبلاغه* در کشورهای عربی اشاره داشته‌اند. ولی این وضعیت تا کی باید گریبانگیر درس بلاغت عربی باشد؟! شاید کتاب *جواهرالبلاغه* — یا بهتر بگوییم: بلاغت عربی —

منتظر جرجانی دیگری است تا دوباره یک ایرانی، به فریاد بلاغت عربی برسد؛ ولی این امر دور از انتظار است، زیرا ترجمه و شرح‌هایی از این کتاب وارد بازار شده است که این ادعا را بی‌اثر می‌کند. در هر حال، هر سال، کتاب‌هایی زیر عنوان شرح و ترجمه *جواهرالبلاغه* چاپ و منتشر می‌شود که هر کدام به نوبه خود هدفی را دنبال می‌کنند.

در این نوشتار، کتاب *جواهرالبلاغه* (تصحیح، ترجمه، با متن اعراب‌گذاری شده، تألیف دکتر محمود خرسندی و حمید مسجدرایی) نقد و بررسی شده است. با وجود اینکه چاپ سوم کتاب در دسترس مخاطبان قرار گرفته است، هنوز لغزش‌های نگارشی و نگارشی فراوانی در آن وجود دارد که نگارش مطالب علمی زمانی رو به کمال می‌رود که این مطالب نقد و بررسی و نقاط قوت و ضعف روشن شود، نگارنده با این هدف کتاب حاضر را نقد کرده است.

جواهرالبلاغه: تصحیح، ترجمه، با متن اعراب‌گذاری شده

از سال ۱۳۸۴ تا کنون، کتابی با عنوان بالا، با جلدی رنگارنگ، همراه با نشان انتشارات حقوق اسلامی در سمت راست بالای صفحه، و با نام مصححان و مترجمان آن، در ویتترین کتاب‌فروشی‌ها عرضه شده است. این کتاب، در بردارنده فهرست، مقدمه مترجمان، سخن مؤلف، سه بخش معانی و بیان و بدیع و دو فهرست نام شاعران است. کتاب، ترجمه موازی *جواهرالبلاغه* است. هر صفحه از کتاب به دو بخش تقسیم شده است: بخش اول، متن اصلی کتاب به زبان عربی است و بخش دوم که با یک خط از متن اصلی جدا شده، ترجمه متن است. در هر صفحه تلاش شده است ترجمه با متن عربی از نظر اندازه هماهنگ باشد.

واژه «تصحیح» در عنوان، کتاب را محققانه و علمی جلوه می‌دهد؛ ولی خواننده هر چه پیش می‌رود و صفحه‌ها را ورق می‌زند، نشانی از «تصحیح» نمی‌بیند، آن‌چنان که با خواندن بخش اول کتاب و مقایسه آن با متن اصلی، کلمه «تصحیح» در عنوان کتاب بی‌ارزش جلوه می‌نماید و خواننده خودبه‌خود این سؤال را در ذهن تکرار می‌کند که آیا این کتاب به راستی تصحیح و ترجمه است یا ترجمه و تلخیص؟!

این تصحیح و ترجمه، برپایه سخن مصححان و مترجمان در مقدمه کوتاه آنها بر کتاب،

برای نخستین بار در سال ۱۳۷۸ و برای دومین بار در سال ۱۳۸۰ روانه بازار شده است؛ اما به دلیل بدقولی ناشر اول، در سال ۱۳۸۴ با تجدیدنظر، در انتشارات حقوق اسلامی در ۴۳۲ صفحه و با شمارگان ۴۰۰۰ نسخه به زیور طبع آراسته شده است.

منطق حکم می‌کند کتاب‌هایی که زیرعنوان تصحیح و ترجمه نوشته می‌شود و متن اصلی آن همراه متن ترجمه چاپ می‌شود، ویراسته‌تر و دقیق‌تر از اصل کتاب باشد. در این گونه ترجمه‌ها، وظیفه مصححان و مترجمان سنگین‌تر از ترجمه‌های دیگر است. خواننده آگاه به هر دو زبان، خواه‌ناخواه، دو متن را مقابله می‌کند و می‌کوشد میزان انطباق و صحت این دو را بیابد. درباره کتاب حاضر، اگر خواننده اصل آن را با ترجمه تطبیق کند، به این نتیجه می‌رسد که کتاب با وجود سه دوره چاپ، توفیق چندانی نیافته و هنوز لغزش‌های نگارشی و نگارشی‌گریبانگیر کتاب است؛ که بیان همه آنها، از حوصله این نوشتار خارج است. بنابراین، برای پرهیز از طولانی‌شدن سخن، تنها به بخشی از آشفتگی‌ها و کاستی‌های بخش معانی کتاب اشاره می‌شود.

کاستی‌های صفحه عنوان و مقدمه

در صفحه شناسنامه کتاب (صفحه ۴)، عنوان کتاب با عنوان روی جلد هماهنگ نیست. در قسمت نام، کتاب این گونه معرفی شده است: «*جواهرالبلاغه: تصحیح، ترجمه، با متن کامل اعراب گذاری شده*»؛ اما در عنوان روی جلد واژه «کامل» نیامده است. بهتر بود بر روی جلد هم نوشته می‌شد: «با اعراب گذاری کامل متن». همچنین، دکتر محمود خورسندی و حمید مسجده‌سرای به عنوان مؤلف معرفی شده‌اند، در حالی که مؤلف کتاب «احمدالهاشمی» است و اسامی مصححان و مترجمان باید بعد از نام مؤلف اضافه می‌شد. در همین صفحه، در قسمت اطلاعات کتاب‌شناختی، با توجه به اینکه کتاب تصحیح و ترجمه است، واژه «تصحیح» حذف شده است. همچنین، این صفحه خالی از لغزش نگارشی نیست؛ که از جمله آنها، «فیالمعانی» است. در مورد فهرست کتاب که براساس عنوان‌های ترجمه تنظیم شده، بیان چند نکته ضروری است:

اول اینکه بعضی از عنوان‌های ترجمه در فهرست وجود ندارد. این آشفتگی و پریشانی و بی‌نظمی، با نگاهی به فهرست و متن ترجمه به‌روشنی معلوم می‌شود. برای نمونه، در بحث فصاحت کلمه، فقط «غرابت استعمال» در فهرست بیان شده و اشاره‌ای به عیب‌های دیگر فصاحت کلمه نشده است. این اشکال در تقسیم کلام به خبر و انشاء و مبحث استفهام و معرفه‌ساختن مسندالیه بآل و ... هم یافت می‌شود.

دیگر اینکه در کتاب *جواهرالبلاغه*، هر سه بخش کتاب با نام «علم‌المعانی»، «علم‌البیان» و «علم‌البديع» معرفی شده است؛ ولی مصححان و مترجمان فقط «علم‌بديع» را با قید کلمه «علم» آورده‌اند در حالی که بهتر بود برای پایبندی به متن اصلی، این تغییر انجام نمی‌شد. پس از فهرست، در مقدمه مصححان و مترجمان نیز اصول اولیه مقدمه‌نویسی رعایت نشده است. خواننده در مقدمه انتظار دارد به هدف و روش کار و پیشینه ترجمه این کتاب اشاره شده باشد و کمترین چیزی که انتظار می‌رفت، این بود که با توجه به چاپ‌های فراوان *جواهرالبلاغه*، به مشخصات کتابی که ترجمه کرده‌اند، اشاره می‌شد. ولی مقدمه این ترجمه، چیزی جز یک اطلاع‌رسانی ساده و شکایت از ناشر پیشین نیست. بهتر بود که مصححان و مترجمان روش کار خود به‌ویژه دلیل حذف مطالب کتاب را بیان می‌کردند تا خواننده هنگام تطبیق اصل کتاب با ترجمه دچار سردرگمی نشود. مترجمان، در جایی از مقدمه، درباره چاپ پیشین می‌نویسند:

حاوی اغلاط چاپی فراوان بود، که درطول مدت تدریس به نواقص کار پی می‌بریم و تصمیم بر این شد که با حوصله بیشتری، بار دیگر کتاب حاضر توسط مترجمان مورد بازخوانی قرار گیرد که به حمدالله این کار در فرصت مقتضی انجام شد.

این در حالی است که با وجود لغزش‌های نگارشی و نگارشی در ترجمه، بعید به نظر می‌رسد این بازخوانی انجام شده باشد.

بعداز مقدمه، به ترجمه سخن مؤلف کتاب *جواهرالبلاغه* - احمدالهاشمی - می‌رسیم. مترجمان در این ترجمه، از کلمات سره فارسی کمتر بهره جسته‌اند، از جمله: مطلب‌ها

(خواسته‌ها)، دقایق (ریزه کاری‌ها)، رفع معالم ایجاز (نشان دادن نشانه‌های ایجاز)؛ همچنین، عبارت «الاسلوب الحکیم» به «اسلوب محکم» ترجمه شده که «شیوه حکیمانه» معادل درست‌تری برای آن است. افزون بر این، زیرنویس مقدمه که دلالت معنایی برخی از کلمات داخل گیومه را نشان می‌دهد، حذف شده است. زیرنویس به این نکته اشاره دارد که ترکیب‌های «الأسلوب الحکیم»، «السعادة الأبدیه»، «جواهرالبلاغه»، «میزان الذهب»، «جواهر الأدب»، «المفرد العلم» که در متن به معنای لغوی آنها توجه شده، در اصل نام کتاب‌های مؤلف (احمد الهاشمی) است. بنابراین، این عبارات در ترجمه باید با قلم سیاه یا داخل گیومه قرار می‌گرفت. مترجمان به جز «الأسلوب الحکیم»، بقیه را در گیومه قرار داده‌اند، ولی اندازه قلم متفاوت نیست.

اگر بخواهیم تک تک صفحه‌های کتاب را بررسی کنیم و اشکال‌های آن را برشمریم، سخن به درازا کشیده می‌شود. بنابراین، برای پرهیز از طولانی شدن، به اشکال‌های کلی کتاب اشاره و به بیان چند نمونه از هر مورد بسنده می‌شود. اشکال‌های کلی کتاب را می‌توان در «حذف‌های نابجا»، «کاستی‌های تصحیح»، «کاستی‌های آیین نگارشی»، «فهرست اعلام» تقسیم‌بندی کرد.

حذف‌های نابجا

یکی از وظیفه‌های مترجم، رعایت امانت‌داری در ترجمه است. مترجمان کتاب این امر را رعایت نکرده‌اند و بی‌آن که در مقدمه دلایلی برای حذف مطالب ارائه دهند، برخی مطالب را به دلخواه حذف کرده‌اند، که وجود بسیاری از آن‌ها برای فهم کتاب ضروری به نظر می‌رسد.

از جمله این حذف‌ها، دو صفحه به عنوان «تمهید» در ابتدای بخش معانی در اصل کتاب است.

مورد دیگر، حذف قسمت «تنبیها» و «زیرنویس»‌های کتاب است.

کتاب *جواهرالبلاغه*، کتابی آموزشی است؛ و قسمت «تنبیها» با هدف جمع‌آوری و نیز یادآوری مطالب و اشاره به نکته‌های مهم در آن قرار داده شده است. ولی مترجمان

نزدیک به ۹۰٪ این تنبیهات را حذف کرده‌اند. درست است که بعضی از این تنبیهات، به ویژه در قسمت بیان، تکراری است، ولی مصححان می‌توانستند موارد تکراری را حذف کنند و مطالب سودمند آن را باقی گذارند.

از زیرنویس‌های اصل کتاب، هیچ اثری در ترجمه نیست و تمامی آنها حذف شده است؛ که این حذف، مشکلاتی را در فهم مطالب کتاب ایجاد می‌کند. این گونه حذف‌ها در کتاب فروان است؛ برای نمونه، کافی است به زیرنویس بحث «توریه و طباق» که اقسام توریه و طباق توضیح داده شده است مراجعه شود تا خلل به وجود آمده در کتاب روشن شود.

مشکل دیگر در موارد حذفی این است که روش واحدی بر حذف موضوعات کتاب حاکم نیست: حدود ۸۰٪ تطبیق‌های کتاب حذف شده است (ص ۲۱، ۱۹، ۵۱، ۵۳، ۵۷، ۶۷، ۷۹، ...). و ۲۰٪ باقی مانده، یا بدون جواب آورده شده یا در موارد اندکی جواب تطبیق‌ها بیان شده است (ص ۹۳، ۱۰۹، ۱۷۰، ۱۷۲). این در حالی است که هدف از آوردن تطبیق این است که دانشجو بعد از فراگرفتن مطلب، به سؤال‌ها جواب دهد، سپس جواب خود را با جواب کتاب تطبیق دهد. شماره صفحه‌های بعضی از موارد حذفی کتاب عبارت است از: (ص ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۲۸، ۳۳، ۵۰، ۵۴، ۵۱، ۵۷، ۶۷، ۷۵، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۵۱).

اشکال دیگر در موارد حذفی کتاب این است که گاهی متن عربی در کتاب حذف شده ولی ترجمه آن قسمت آمده است (مثل ص ۱۳)؛ و یا اینکه در متن ترجمه، کلماتی از قلم افتاده است (مثل ص ۱۵-۱۴، اعراف/۱۷).

در زیر، به نمونه‌های اندکی از حذف‌های نابجا اشاره می‌شود:

ص ۱۳: حذف زیرنویس مربوط به تنافر حروف؛ که باعث می‌شود مطلب اشتباه به خواننده منتقل شود.

ص ۱۴، سطر ۹: جمله «لأن المعول عليه في ذلك استعمالهم» ترجمه نشده است.

ص ۱۸ و ۱۹: حذف مطالب زیرنویس که راهنمای خوبی برای فهم مطلب بوده است.

ص ۳۵: «من حيث افادته المعاني الثواني». در این عبارت، دو نکته قابل تصحیح است:

اول اینکه اعراب «افادته» غلط است؛ دوم اینکه در اصل کتاب، در پاورقی، معانی اولیه و

ثانویه توضیح داده شده بود، ولی مصححان و مترجمان آن را حذف کرده‌اند. همچنین در پاورقی ص ۳۶ اصل کتاب، مطلب مهم «جمله‌های رئیسیه و غیررئسیه» شرح داده شده بود که حذف شده است.

ص ۵۴: در کتاب *جواهرالبلاغه* در پاورقی، عبارت «مع الاختصار» توضیح داده شده بود؛ که حذف آن، باعث اخلال در معنی شده است.

ص ۷۵: پاورقی این صفحه درباره‌ی تعریف استفهام انکاری و توییحی بود که حذف شده است.

برای بیان حذف‌های فراوان کتاب، ذکر این مطلب کافی است که اصل کتاب به زبان عربی ۴۲۸ صفحه است ولی کتاب تصحیح و ترجمه که بامتن اصلی همراه است، ۴۳۲ صفحه است.

کاستی‌های تصحیح

همچنان که پیش‌تر اشاره شد، واژه «تصحیح» در عنوان کتاب مناسب نیست و به‌یقین می‌توان گفت که مصححان و مترجمان کتاب *جواهرالبلاغه* را تصحیح نکرده‌اند. گویا مترجمان اصل کتاب را در اختیار ماشین‌نویس قرار داده‌اند تا متن عربی را ماشین‌کند؛ بدون اینکه متن را تصحیح کنند. دلیل این ادعا این است که لغزش‌های نگارشی و نگارشی در کتاب، همان لغزش‌های کتاب اصلی است به‌عنوان نمونه، در صفحه ۲۰ تمرین «أ» در اصل کتاب باید جزو تمرین‌های «فصاحت کلام» قرار می‌گرفت که به اشتباه درمبحث «فصاحت کلمه» طرح شده است، همچنین تمرین «ب» که درباره‌ی «فصیح از غیرفصیح» است، باید در درس بعد قرار می‌گرفت ولی مصححان به این نکته توجه نکرده‌اند، تمرین صفحه ۱۸۴ (تمرین آخر) نیز به درس بعد (مبحث فصل) مربوط است که تصحیحی در آن صورت نگرفته است.

اشتباه‌های اصل کتاب در جاهای زیادی در متن ترجمه تکرار شده است. برای نمونه: در ص ۳۶ ترجمه آمده است: واضع علم معانی، «عبدالقادر جرجانی» است؛ درحالی‌که درست آن، «عبدالقاهر جرجانی» است. این اشتباه دقیقاً در اصل کتاب (ص ۴۷) نیز وجود

دارد.

در صفحه ۲۰ ترجمه، واژه «لوط» در بیت زیر چنین اعراب گذاری شده است:

رَمْتَنِي مِيَّ بِالْهَوَى رَمِي مَمْضِعٍ مِنْ الْوَحْشِ لُوطٌ لَمْ تَعْفِهِ الْاَوَالِسِ

و همین بیت در صفحه ۲۱ چنین اعراب گذاری شده است:

رَمْتَنِي مِيَّ بِالْهَوَى رَمِي مَمْضِعٍ مِنْ الْوَحْشِ لُوطٌ لَمْ تَعْفِهِ الْاَوَالِسِ

همین اشکال در اصل کتاب (ص ۱۵ و ۱۷) نیز وجود دارد.

در صفحه ۷۲، در جمله «مالشمس؟ فيجاب بأنه كوكب نهاري»، «بأنه» غلط و صحیح

آن «بأنها» است. همین اشکال در اصل کتاب نیز وجود دارد.

برای پرهیز از طولانی شدن در زیر به نمونه‌های اندکی از موارد تصحیح نشده اشاره

می شود:

ص ۱۳۲، س ۹ متن کتاب: قرائت «يُسَبِّحُ» مورد نظر است.

ص ۱۳۳، س ۹ متن کتاب: «رَمِيَهُ مِنْ غَيْرِ رَامٍ اِي هَذِهِ رَمِيَهُ»، مربوط به بحث مسندالیه است.

ص ۱۳۶، س ۷ متن کتاب: عبارت «الْكَامِلُ الْوَطْنِيَّةُ» اشتباه و درست آن «الْكَامِلُ فِي الْوَطْنِيَّةِ»

است. در همین صفحه، سطر ۱۰ متن کتاب، «لِقَصْدِ ارَادَةِ الْعَهْدِ» با توجه به توضیح کتاب

اشتباه و «لِعَدَمِ ارَادَةِ الْعَهْدِ» درست است.

ص ۱۴۴، س ۴ متن کتاب: مثال «تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» شاهد مثال نیست.

ص ۱۴۶، س ۱۰ متن کتاب: «... لَكِنْ مَنْصُورٌ» ناقص و درست آن «مَا جَاءَ نَصْرَ لَكِنْ

مَنْصُورٌ» است.

ص ۱۴۷، س ۱ متن کتاب: «الْإِيْهَامُ» غلط و «الْإِيْهَامُ» درست است.

ص ۱۹۹، س ۳ متن کتاب: جمله «الْبَلَاغَةُ اِيْجَازٌ» را مصححان چنین تصحیح کرده‌اند:

«الْبَلَاغَةُ هُوَ الْاِيْجَازُ». در حالی که جمله در اصل کتاب اشکالی نداشت و مترجمان در آن

اشکال ایجاد کرده‌اند.

ص ۱۱۳، س ۸ متن کتاب: بیت زیر شاهد مثال نیست:

وَأَخَذْتُ مَا جَاءَ الْأَمِيرُ بِهِ وَ قَضَيْتُ حَاجَاتِي كَمَا أهُوِي

ص ۱۱۴، س ۷ متن کتاب: جمله «مَنْ لَمْ يَدْرِ حَقِيْقَةَ الْحَالِ قَالَ مَا قَالَ» شاهد مثال نیست.

ص ۱۲۵، س ۱ متن کتاب: بیت زیر شاهد مثال نیست:
 أبعْدَ الْمَشِيْبِ الْمُنْقِضِي فِي الذَّوَابِ تُحَاوِلُ وَصْلَ الْغَانِيَاتِ الْكَوَاعِبِ
 ص ۹۵، در «تطبیق عام علی الباب الثانی» هیچ تصحیحی صورت نگرفته، و مطلب کپی از متن اصلی است. برای نمونه: ص ۹۶، سطر ۲ (ضلام ← ظلام)، سطر ۶ (المسند الیه محذوفان ← المسندوالمسند الیه محذوفان). در ص ۹۷، سطر ۱۴ چند جمله آخر سطر حذف شده و در تطبیق عام ص ۱۵۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ نیز هیچ گونه تصحیحی صورت نگرفته است. نمونه این اشتباه‌ها در کتاب *جواهرالبلاغه* فراوان است؛ که مصححان محترم بدون هیچ گونه دقتی همان لغزش‌ها را تکرار کرده‌اند.

کاستی‌های نگارشی

تصحیح نکردن علامت‌های سجاوندی کتاب کاملاً مشهود است، چرا که بسیار نمونه دارد؛ و در این مورد، خواننده را به مقایسه چند صفحه از اصل کتاب با ترجمه ارجاع می‌دهیم. همچنین، مصححان و مترجمان در استفاده از علامت‌ها برای آیه‌های قرآنی و شاهد مثال‌ها، اسلوب واحدی برنگزیده‌اند و کار را به سلیقه ماشین‌نویس وا گذاشته‌اند. مثلاً بعضی از آیه‌های قرآنی و شاهد مثال‌ها در متن عربی با حروفی درشت‌تر از حروف متن اصلی تایپ شده و اعراب‌گذاری آن کامل است ولی در ترجمه اندازه قلم با متن یکسان است و اعراب‌گذاری نشده است، یا بر عکس، در متن آیه یا شاهد مثال اعراب‌گذاری نشده ولی در زیرنویس اعراب‌گذاری شده است. موارد چنین اشتباهی فراوان است. برای نمونه، رجوع کنید به (ص ۱۶، ۱۷، ۲۷، ۴۲، ۷۶، ۷۷، ...). این مورد در همه شاهد مثال‌ها و آیه‌های بخش بدیع دیده می‌شود.

گاهی در متن اصلی شماره‌گذاری‌ها با حروف ابجد ولی در زیرنویس‌ها با عدد است.
 (← ص ۶۸)

در ص ۱۵، جمله «و ذلك في الألفاظ المشتركة» بدون هیچ دلیلی درشت تایپ شده است. همچنین است سطر ۳، و نیز ص ۱۷ سطر ۴ و ۶ و ۷، و ص ۳۲ سطر ۶ متن اصلی، و نیز ص ۱۲۳ سطر ۱۲ متن اصلی.

در ص ۲۵ عبارت «لازم الجوار» در ترجمه به صورت «بین الکلمات التی یجب أن تتجاوز و يتصل بعضها ببعض» آمده است بهتر بود از عبارت فارسی به جای آن استفاده می شد.

در ص ۷۳، سطر ۷، شماره آیه درج نشده، در صورتی که در ترجمه شماره آیه قید شده است؛ همچنین است ص ۱۱۱، سطر ۴.

در ص ۱۰۷، سطر ۱۰، عبارت «این روایت» در ترجمه «كقوله عليه الصلاة والسلام» آمده است، همچنین در زیر نویس اعراب گذاری وجود ندارد.

در نگارش همزه، ه گرد، ی نقطه دار، و الف مقصور، اسلوب واحدی بر کتاب حاکم نیست؛ و این، مشکل زیادی در خواندن متن عربی ایجاد کرده است.

فهرست اعلام

مصححان و مترجمان در پایان بخش معانی و بدیع، «فهرست اعلام شعراء» آورده اند، در این فهرست هم اشکالاتی وجود دارد که در زیر، به مهم ترین آنها اشاره می شود:

۱. فهرست بر اساس سال وفات یا الفبا تنظیم نشده است.
۲. موارد تکراری وجود دارد.
۳. در فهرست فقط اسامی شاعران نیامده است بلکه نام اکثم بن صیفی، جذیمة الأبرش، قدامة بن جعفر، ابن رشیق قیروانی، خطیب قزوینی، حریری، عبدالقاهر جرجانی، ابن درید، ابن سیده و... هم در آن یافت می شود.
۴. صفحه های کتاب که اسامی این شاعران در آن صفحه ها باشد، درج نشده است و این گمان حاصل می شود که شاید نام این شاعران و نویسندگان در کتاب نباشد.
۵. چرا این فهرست بعد از بخش معانی و بدیع قرار گرفته است. آیا در بخش بیان، نام شاعری وجود ندارد؟ این ابهام با یک توضیح در مقدمه از بین می رفت.
۶. بهتر بود به جای «فهرست اعلام شعراء» از معادل فارسی آن (فهرست نام شاعران) استفاده می شد.
۷. در نگارش نام شاعران و نویسندگان، شیوه یکسانی دنبال نشده و نام ها گاهی عربی و

گاهی فارسی است؛ برای نمونه: خنساء (ص ۲۳۰) و الخنساء (ص ۴۲۸)، شیخ عبدالقاهر جرجانی (ص ۲۲۷) و الشیخ عبدالقاهر (ص ۴۲۹)، زهیر (ص ۴۲۹) و زهیر بن بی سلمی (ص ۲۲۹)، ابوالعلاء معری (ص ۲۲۷) و ابوالعلاء المعری (ص ۴۲۶)، شوقی بک (ص ۲۲۸) و شوقی احمد (ص ۴۳۲)، ...

۸. در متن عربی کتاب چنین فهرستی وجود ندارد؛ بنابراین، مصححان و مترجمان باید در مقدمه به این نکته اشاره می‌کردند.

۹. لغزش‌های نگارشی بسیاری در متن وجود دارد؛ و ترجمه تحت‌اللفظی بر بیشتر زندگی‌نامه‌ها حاکم است.

۱۰. در مواردی که سال تولد و وفات مشخص نباشد براساس قواعد روش تحقیق، علامت سؤال (?) گذاشته می‌شود؛ ولی در این فهرست، به جای علامت سؤال، از علامت (...) استفاده شده است.

۱۱. سال وفات ابوهلال عسکری فقط به میلادی نوشته شده است (۱۰۰۵م)؛ در حالی که این نویسندگان به سال قمری شناخته می‌شوند.

۱۲. نام بعضی از شاعران و نویسندگان در کتاب آمده است ولی در فهرست نیست، مانند حجل بن نصله القیسی (ص ۴۸)، ابوالهمیسع (ص ۱۶)، جمیل (ص ۱۷)، ابن جحدر (ص ۲۱)، الشریف الرضی (ص ۴۳)، حصرین جؤبة (ص ۵۵) و ابن اب‌السمط (ص ۲۰)، ... اشکالات فراوانی در فهرست یافت می‌شود که به نقد جداگانه‌ای نیاز دارد. باشد که مصححان و مترجمان محترم در چاپ‌های بعدی دقت بیشتری کنند.

پیشنهادها

از آنجا که در متن اصلی کتاب، فهرست آیه‌ها و نام‌ها و اشعار وجود ندارد و خواننده برای دستیابی به هر موضوع باید همه کتاب را جست‌وجو کند تا به مطلوب خود دست یابد، به مصححان و مترجمان پیشنهاد می‌شود در چاپ‌های بعدی کتاب، ضمن رعایت شیوه مناسب بر موارد حذفی کتاب و بازنگری دقیق در متن و ترجمه کتاب، فهرستی از آیه‌ها و نام‌ها و اشعار در آخر کتاب اضافه کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود برای رفع

اشکال‌ها، کتاب از نظر یک ویراستار بگذرد. در پایان، جا دارد تلاش استادان بزرگوار در ترجمه کتاب *جواهرالبلاغه* ستوده شود؛ چه، ایشان با توجه به اشکال‌های کتاب *جواهرالبلاغه* قدم به این عرصه گذاشتند و راه را برای ترجمه و تصحیح بهتر کتاب هموار کردند. و بیان برخی کاستی‌ها، دلیل بر نبودن نکات مثبت و ارزشمند به‌ویژه در ترجمه اشعار نیست. دل می‌دهم به مژده و خجالت همی برم زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست

منابع

- خوردسندی، محمود و مسجدسرای، حمید. ۱۳۸۴. *جواهرالبلاغه: تصحیح، ترجمه، با متن اعراب-گذاری شده*. چاپ اول. قم: انتشارات حقوق اسلامی.
- فتوحی، محمود. ۱۳۸۶. «نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنتی». *ادب پژوهی* (فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان)، سال اول، شماره سوم.
- الهاشمی، احمد. ۱۴۱۰ ه. ق. *جواهرالبلاغه*. الطبعة الثانية. مکتب الاعلام الإسلامی.